

ارزش‌ها و هنجارهای متعالی در سوره لقمان و روش‌های کاربردی کردن آنها در جامعه

✍ حمیدرضا نریمانی*

عارفه خورش**

حسین امامی***

چکیده

یکی از اصلی‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده جوامع بشری، «نیاز» است که در بستر فرهنگ بدان پاسخ گفته می‌شود. ارزش‌ها، که در قالب هنجارها تجلی می‌یابند، عناصر مهم سازنده فرهنگ هر جامعه‌اند. تحقیق و کاوش پیرامون آنها، و در ادامه، تقویت و برجسته‌سازی این عناصر، سبب حفظ و صیانت فرهنگ آن جامعه در برابر فرهنگ‌های مهاجم خواهد شد.

این پژوهش، می‌کوشد با روش تحلیل محتوا در انوار مقدس سوره «لقمان»، به شرح و توضیح هشت نمونه از الگوهای ارزشی و هنجارهای پیرامون هر یک از آنها، با استناد به آیات مبارکه این سوره بپردازد و بیان برخی از راه‌کارهای جامعه‌پذیری این عناصر، ارائه روش و راهی نو به‌عنوان سرآغازی برای پژوهش‌های مشابه در آیات سایر سوره‌ها و نیز مقایسه سوره‌ها با یکدیگر و تدوین مجموعه جامعی از الگوها و هنجارهای موردنظر فرهنگ غنی اسلام، به‌عنوان یگانه راه پاسخ‌گویی به اساسی‌ترین نیاز انسان، یعنی دستیابی به خوش‌بختی و رفاه حقیقی و ابدی، از جمله نتایج حاصل از این تحقیق به‌شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: سوره لقمان، فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها، روش‌های کاربردی.

مقدمه

رفتار مناسب در وضعیت معین را تعیین می‌کنند، تجلی می‌یابند (همان، ص ۷۱). هرچه فرهنگ جامعه پیشرفته‌تر باشد، نشانگر آن است که مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای آن احاطه کاملی بر تمام نیازهای افراد جامعه دارد. دین اسلام با تکیه بر علم و استدلال‌های عقلی، هدایت و زمینه‌های فطری و روحی به‌عنوان منابع جامع جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، توانسته است به صورت مکتوب (قرآن) و غیرمکتوب (سنت) ارزش‌ها و هنجارها را به‌عنوان بهترین الگوی رفتاری و روابط متقابل اجتماعی، برای استعلای انسان، از جانب پروردگار متعال به ارمغان آورد و توسط پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام آنها را عملاً به مردم نشان دهد. ازاین‌رو، در جهان امروز که فرهنگ‌های نوظهور، دست‌ساز و یک‌جانبه‌نگر بشری، با هدف کم‌رنگ کردن و بی‌ارزش نشان دادن فرهنگ متعالی اسلام، از هر سو هجوم آورده‌اند، به نظر می‌رسد پژوهش پیرامون پایه‌های اصلی فرهنگ قرآنی و تبیین آنها در قالب تعاریف و مفاهیم نو و اصطلاحات امروزی برای نسل جدید، همچنین تلاش برای عملی کردن آنها در سطح زندگی روزمره، از اولویت‌های تحقیق در این حوزه باشد. بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی به سوره «لقمان»، ضمن شرح و توضیح هشت الگو و یا ارزش مهم فرهنگی و نیز هنجارهای پیرامون آنها، به برخی از اصلی‌ترین روش‌های کاربردی ساختن آنها، به اندازه بضاعت و در حد یک مقاله بپردازد.

تحقیقات و پژوهش‌های پیشین در این زمینه، حاکی از آن است که نکات و پیام‌های موجود در این سوره از دید محققان دور نمانده و عمده تحقیقات، پیرامون شناخت آموزه‌های تربیتی این سوره انجام گرفته است. چنان‌که دانش (۱۳۸۹)، در مقاله «اصول و روش‌های

از دیدگاه جامعه‌شناسان، «جامعه» جمعیتی است سازمان‌یافته از اشخاص که با هم در یک واحد فیزیکی مشترک سکونت داشته و در چارچوب سازمان‌ها، برای نیل به هدف مشترک و رفع نیازهای اساسی، با اشتراک در فرهنگ، به‌عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

براساس تعریف فوق، عامل اصلی تشکیل‌دهنده جوامع بشری، «نیاز» است. انسان‌ها برای رفع نیازهای متنوع خود مجبور به تعامل با یکدیگرند. در این میان، آنچه باعث سازمان‌دهی نیازهای بشری شده و راه‌حل‌های گروهی برای رفع نیازهای فردی را ارائه می‌دهد، «فرهنگ» است. فرهنگ را کلیت در هم تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، آداب و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی تعریف نموده‌اند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

فرهنگ به‌عنوان عامل اصلی وحدت‌بخش، با خصوصیتی همچون هویت‌سازی، جامعه‌پذیری، ایجاد غریزه فرهنگی، و ایجاد پاداش و کیفر، تبیین‌کننده رفتار انسان‌ها برای رسیدن به سعادت پایدار است. فرهنگ با داشتن دو عنصر مهم «ارزش‌ها» و «هنجارها» که هر کدام دارای کارکرد معین و مستقل و قابل تعریفی می‌باشد، یک نظام اجتماعی را در جامعه شکل می‌دهد که ثمره آن، ایجاد رفاه مادی و معنوی در جامعه است (همان، ص ۹).

ارزش‌های اجتماعی، عبارت است از مقاصد و اهداف مطلوبی که افراد جامعه برای دستیابی به آنها فعالیت می‌کنند تا بتوانند نیازهای خود را برآورده سازند. درواقع، ارزش‌ها، معیار سنجش پدیده‌ها در جامعه هستند که به وسیله هنجارها که قواعد رفتاری مشترکی هستند و

جامعه‌ای اسوه و الگو گردد (امام‌جمعه، ۱۳۸۸، ص ۷۹). از جمله سوره‌هایی که در قرآن کریم به صورت مؤکد و مشخص، به بیان ارزش‌ها و الگوهای متعالی پرداخته، سوره «لقمان» است. این سوره از سوره‌های مکی است و به مناسبت نام لقمان که در آن آمده است، «لقمان» نام گرفته است. این سوره که ۳۴ آیه دارد، با حروف مقطعه «الم» آغاز می‌شود. موارد ذیل، محتوای این سوره را تشکیل می‌دهد:

بیان برخی از معجزات علمی قرآن، دلایل ایمان به مبدأ و معاد، بیان علوم اختصاصی خداوند مانند زمان مر و برپایی قیامت، و نیز نصایح و موعظه‌های حکیمانه لقمان به فرزندش (قرآنی، بی تا، ص ۲۲۵). در اینجا، به نمونه‌هایی از آنها در قالب ارزش‌ها و هنجارهای دسته‌بندی شده خواهیم پرداخت.

۱. ارزش و الگوی عمل صالح

از نظر اسلام، عملی دارای ارزش است که با واسطه یا بدون واسطه با خداوند در ارتباط باشد. ایمان، عملی اختیاری و مربوط به قلب است که ممکن است به انگیزه سعادت‌مندی و رسیدن به نعمت‌های ابدی و یا نجات از عذاب‌های جاودانی و یا در مرحله‌ای بالاتر، برای وصول به کمال برای انسان حاصل آید؛ اما به هر حال، این ایمان باید خود انگیزه سایر کارها باشد و ریشه اعمال انسان قرار گیرد. در قرآن کریم در اکثر موارد، یعنی بیش از پنجاه آیه از قرآن، ایمان و عمل صالح به همراه یکدیگر ذکر گردیده است. بنابراین، عامل اصلی سعادت انسان، ایمان است و مقتضای ایمان، انجام دادن اعمال صالحی است که از لوازم آن به شمار می‌رود (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۶۸-۷۱). در هشتمین آیه از همین سوره، خداوند شرط بهره‌گیری از الطاف الهی را ایمان همراه با عمل صالح

تربیتی سوره لقمان؛ نسیک‌بخش (۱۳۸۹)، در مقاله «برداشت‌هایی تربیتی از سوره لقمان»؛ و نیز حمیدری (۱۳۸۹)، در مقاله «آموزه‌های تربیتی حضرت لقمان در قرآن»، هریک از منظری به توصیف مهم‌ترین اصول تربیت فردی و اجتماعی سفارش شده در این سوره از زبان لقمان به فرزندش، پرداخته‌اند. سایر تحقیقات انجام‌گرفته، یا در قالب تفسیر موضوعی این سوره می‌باشد؛ با عناوینی همچون: تربیت اولاد، مبارزه با شرک، سپاس‌گزاری، استقامت و یاد خدا، احترام به پدر و مادر و برخی موضوعات دیگر، و یا تفسیر کلی سوره؛ که در این میان، تفسیر نور حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی از لحاظ نکته‌سنجی و بیان پیام‌های خاص هر آیه، دارای ویژگی ممتازی است.

در هر حال، تمایز تحقیق حاضر، رویکرد فرهنگی به پیام‌های این سوره و تلاش برای ارائه راه‌کارهای اجرایی شدن آنها در جامعه امروز، بخصوص اغنای نسل جوان است. در ضمن، تذکر این نکته ضروری است که به لحاظ تعدد آیات مورد استناد برای هنجارهای هر الگو، تنها به اشاره کلمات کلیدی هر آیه اکتفا شده و شایسته است مخاطبان به هنگام مطالعه مقاله، از محضر قرآن کسب فیض نمایند.

ارزش‌ها و هنجارها در سوره لقمان

خداوند در قرآن کریم همواره گروهی از ارزش‌ها و الگوهای پسندیده را متذکر شده و آنها را برای رفتار مخاطبان خود ابلاغ نموده است؛ زیرا عنایت و هدایت خداوند عزیز آن است که مخلوق خویش را، که توفیق خواندن و تفکر در آیات و کلماتش را به او داده، به جهتی بکشاند که در یک فضای مشخص و ساخت یافته‌ای از رفتارها و درونی‌شدن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی ابلاغ شده توسط انبیا و اولیائش قرار گیرد، تا بتواند تبدیل به

در محیط اطراف خود و جهان هستی شود؛ از این رو، به تربیت نیازمند است. برخی از هنجارهای تربیتی بیان شده در این سوره عبارتند از:

- تناسب عمل با عقاب: ﴿لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ يَغْيِرَ عِلْمًا وَيَتَّخِذَهَا هُزُوعًا... عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (لقمان: ۶)؛
 - تناسب عمل با پاداش: ﴿وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (لقمان: ۹ و ۸)؛
 - استفاده از مثال برای بیان مفاهیم: ﴿كَأَنَّ فِي أذُنَيْهِ وَقْرًا﴾ (لقمان: ۷)؛

- «باور»، به عنوان مبنای عمل: ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (لقمان: ۸)؛

- تناسب وعده با توان وعده دهنده: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ﴾ (لقمان: ۸)؛
 - عمل به وعده: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا﴾ (لقمان: ۸)؛
 - ایجاد انگیزه با توصیف وعده: ﴿النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (لقمان: ۹ و ۸)؛

- ابتدا توجه به نیازهای مادی و سپس نیازهای معنوی: (السَّمَاوَاتِ، الْأَرْضِ، رَوَاسِي، دَابَّة، مَاء) (لقمان: ۱۰)؛

- «آرامش» به عنوان بستر زندگی: ﴿تَمَيِّدِيكُمْ﴾ (لقمان: ۱۰)؛
 - احترام به طبیعت: ﴿وَمِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ (لقمان: ۱۰)؛
 - آوردن نمونه عینی در بحث و گفت و گوها: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ (لقمان: ۱۱)؛

- مستند زدن حرف صحیح: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي﴾ (لقمان: ۱۰)؛

- ابتدا، بیان خوبی‌ها و درستی‌ها، و سپس، بدی‌ها: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (لقمان: ۱۱)؛

- نشست گرفتن تربیت واقعی از بینش واقعی: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾ (لقمان: ۱۲)؛

- آموختن الگوی‌های تربیتی از بزرگان: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ﴾ (لقمان: ۱۳)؛

معرفی می‌نماید تا از صحت ایمان اطمینان حاصل آید. از جمله هنجارهای عمل صالح در این سوره، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱. توصیه به انجام عمل صالح در قالب امر به معروف: برپا داشتن نماز: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ﴾، مداومت در برپایی نماز: ﴿وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾، دادن زکات و مداومت در پرداخت آن: ﴿وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾، گوش شنوا برای پذیرش حق: ﴿كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أذُنَيْهِ وَقْرًا﴾، احترام به والدین: ﴿بِوَالِدَيْهِ﴾، نیکی به پدر و مادر: ﴿وَصَاحِبَيْهِمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾، خدمت دائم به پدر و مادر در طول زندگانی: ﴿فِي الدُّنْيَا﴾، صبر بر مصیبت: ﴿وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ﴾.

۱-۲. توصیه به عمل صالح در قالب نهی از منکر: پرهیز از سخنان بیهوده: ﴿لَهُوَ الْحَدِيثُ﴾، پرهیز از سخن بدون علم: ﴿يَغْيِرَ عِلْمًا﴾، پرهیز از گمراه نمودن دیگران با هر ابزاری: ﴿لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾، پرهیز از مسخره کردن: ﴿وَيَتَّخِذَهَا هُزُوعًا﴾، پرهیز از لجبازی و استکبار: ﴿وَلَّى مُسْتَكْبِرًا﴾، پرهیز از تکبر: ﴿وَلَا تُصَعِّرْ﴾، پرهیز از شادی زیاد: ﴿مَرَحًا﴾، پرهیز از خود برترینی: ﴿مُخْتَالٍ﴾، پرهیز از صدای بلند: ﴿وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾.

۲. الگوی تربیتی

«رب» یکی از اسماء الهی است که در اولین آیه (پس از بسم‌الله) از اولین سوره قرآن کریم تحت عنوان «رب العالمین» آمده است و حاکی از تربیت نظام مخلوقات و نظام بشر در هر دو عالم است. انسان به عنوان موجودی که بالقوه اشرف مخلوقات است، با مبنای تربیتی به نام «فطرت» آفریده شده است. در حقیقت، ارزش‌های اخلاقی از همان آغاز تولد به همراه انسان است: ﴿فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس: ۸)، اما این استعداد نهفته باید شکوفا گردد تا انسان جنبه فاعلیت یافته و منشأ تأثیر مثبت

بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ ﴿لِقْمَان: ۱۷﴾؛
 - «صبر»، لازمه فعالیت‌های اجتماعی: ﴿وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ﴾؛
 - اول، اصلاح باورها؛ بعد، انجام عمل صالح: ﴿لَا تُشْرِكْ... أَقِمِ الصَّلَاةَ﴾؛
 - جدیت در اصلاح جامعه: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾؛
 - نفوذ کلام با بیان نرم: ﴿وَأَعِضْضُ مِنْ صَوْتِكَ﴾؛
 - داشتن صبر در تربیت: ﴿فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ﴾؛
 - داشتن نگاه ابزاری به نعمت‌های دنیایی: ﴿نُمتَّعَهُمْ قَلِيلًا﴾ (لقمان: ۲۴) (ر.ک: قرائتی، بی تا).

۳. الگوی هدایت و ارشاد

گمراهی و انحراف در جوامع، محصول عدم آگاهی انسان‌هاست. کسانی که در جهت تأمین منافع قدرت‌ها به نام روشنفکر، فیلسوف و دانشمند، آگاهی کاذب در اختیار مردم قرار می‌دهند، و برای آنان چشم‌اندازهای کاذب و فریبنده ایجاد می‌کنند، در حقیقت، به دنبال امپریالیسم فرهنگی هستند تا پویایی ملت‌ها را گرفته و آنان را به انسان‌های منفعل تبدیل کنند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰). از این رو، قرآن مبنای هدایت را وحی و کتاب و عقل در قالب‌های زیر معرفی می‌کند:

- توجه به حکمت، کتاب، علم و استدلال عقلی برای ارشاد: ﴿الْكِتَابِ الْحَكِيمِ، هُدًى، مَن يُجَادِلْ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (لقمان: ۲ و ۲۰)؛
 - مباحثه عالمانه نه مجادله: ﴿مَن يُجَادِلْ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (لقمان: ۲۰)؛
 - دعوت به معنویات، با مراحل زیر:
 - دادن آگاهی بامثال: ﴿فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ﴾ (لقمان: ۲۲)؛
 - ایجاد فضای فکری انتخاب نه اجبار: ﴿وَمَن يُسْلِمْ﴾ (لقمان: ۲۲)؛

- موعظه و تربیت فرزند، به عنوان یکی از وظایف پدر: ﴿قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْظُمُ﴾ (لقمان: ۱۳)؛
 - جلب توجه و ذهن و حواس شنونده، به عنوان شروط اولیه موعظه: ﴿يَا بُنَيَّ﴾؛
 - آغاز اصلاح و تربیت از خانواده: ﴿يَا بُنَيَّ لِابْنِهِ﴾؛
 - اول، اصلاح خود و خودی‌ها، بعد اصلاح دیگران: ﴿وَإِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ﴾ (لقمان: ۱۳)؛
 - گفت‌وگوی صمیمانه، با محبت، با عاطفه، ضمن رعایت احترام و شخصیت طرف مقابل، به عنوان شیوه تربیت: ﴿يَا بُنَيَّ﴾؛
 - موعظه جوان و نوجوان؛ نه سرزنش او: ﴿يَا بُنَيَّ﴾؛
 - لزوم شروع تربیت و موعظه از مسئله اصلی؛ یعنی توحید: ﴿لَا تُشْرِكْ﴾؛

- شیر دادن مادر به مدت دو سال و ارتباط آن با تربیت جسمی و روحی و معنوی فرزند: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ... وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ﴾ (لقمان: ۱۴)؛
 - توجه و خدمت خاص به مادر: ﴿أُمَّهُ﴾؛
 - تشکر، حتی در مقابل وظیفه طبیعی: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ... أَنِ اشْكُرْ﴾ (لقمان: ۱۴)؛

- معرفی الگوی مثبت پس از توصیه به اجتناب از الگوی منفی: ﴿فَلَا تُطِعْهُمَا... وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ (لقمان: ۱۵)؛
 - اطاعت مادامی از پدر و مادر، نه اطاعت دوامی: ﴿أَن تَشْرِكَ بِي... فَلَا تُطِعْهُمَا﴾ (لقمان: ۱۵)؛
 - لزوم خدایی بودن انسان‌های الگو: ﴿مَن أَنَابَ إِلَيَّ﴾ (لقمان: ۱۵)؛
 - شفاف بودن هدایت: ﴿وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ (لقمان: ۱۵)؛

- تکرار کردن لقب مخاطب در موعظه: ﴿يَا بُنَيَّ﴾؛
 - ابتدا، امر به خوبی‌ها و بعد، نهی از بدی‌ها: ﴿وَأْمُرْ

- لزوم بازخورد و کنترل کیفیت در سازمان یا سیستم:
 ﴿إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ﴾؛
 - ارزیابی دقیق: ﴿مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ﴾؛
 - لطیف و خبیر بودن، دو صفت یک مدیر خوب: ﴿إِنَّ
 اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾؛

- توجه به رعایت اعتدال در مدیریت: ﴿وَأَقْصِدْ فِي
 مَشْيِكَ﴾؛

- توجه به بیان نرم، به عنوان یکی از لوازم مدیریت:
 ﴿وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾؛

- توجه به عوامل موفقیت در سازمان؛ از جمله:
 - مدیریت واحد (مدیر باید یک نفر باشد): ﴿أَنْ تُشْرِكَ
 بِي... فَلَا تُطْعِمَهُمَا﴾؛

- علم؛ اساس ساختار مدیریت: ﴿أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا
 لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِمَهُمَا﴾؛

- لزوم اطاعت و تبعیت از مدیر: ﴿وَاتَّبِعْ﴾؛

- لزوم هم‌جهت بودن مدیران میانی با مدیر اصلی:
 ﴿مَنْ أُنَابَ إِلَيَّ﴾؛

- تذکر از انحراف: ﴿إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ﴾؛

- حضور مدیر در کلیه فرایندها: ﴿فَأُنَبِّئُكُمْ﴾؛

- نظارت بر عملکرد افراد و فعالیت‌ها توسط مدیر:
 ﴿فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛

- توجه به فرهنگ سازمانی با:

حذف عقاید غلط: ﴿لَا تُشْرِكْ﴾؛ ایجاد عقیده صحیح:

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ﴾؛ هدایت و کنترل: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛

نظارت و ارزیابی: ﴿وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (ر.ک: قرائتی، بی تا).

۶. الگوی عینی‌گرایی

دعوت خداوند به عینی‌گرایی در امر شناخت فرهنگ، در
 قرآن کریم بی‌نظیر است؛ شاید بدان منظور که مردم دچار
 تردید و ابهامات و افکار سنگین کلامی و ذهنی نشده و

- انجام عمل: ﴿وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ (لقمان: ۲۲)؛

- توجه به هدف: ﴿يُسَلِّمُ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ﴾ (لقمان: ۲۲)؛

- بیان چشم‌انداز: ﴿وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: ۲۲)؛

- داشتن صبر در ارشاد: ﴿فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ﴾ (لقمان: ۲۳)

(ر.ک: قرائتی، بی تا)؛

۴. ارزش و الگوی مدیریتی

«مدیریت» به‌عنوان یک علم، عبارت است از: فراگرد
 به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای
 یک نظام ارزشی پذیرفته‌شده (رضائیان، ۱۳۸۲، ص ۸).

انسان‌ها همیشه در برآوردن نیازهای خود و
 بهره‌برداری نظام‌مند از امکانات مادی و غیرمادی و حتی
 در مسائل آموزشی و پرورشی، دچار سوء تدبیر و روش
 بوده‌اند؛ چراکه به مسائل عمیق انسانی توجه کافی
 نداشته‌اند. ازاین‌رو، خداوند متعال به‌عنوان یگانه و
 برترین مدیر و مدبّر جهان هستی، در این زمینه، نکات و
 الگوهایی را در این سوره بیان داشته که بسیار حایز
 اهمیت است:

- روشن نمودن نتیجه برنامه: ﴿لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ﴾؛

- ایجاد انگیزه برای کار مثبت: ﴿لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ﴾؛

- همراهی قدرت با حکمت برای دقت بیشتر در امور:

﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛

- تناسب داشتن نتیجه با شخصیت مدیر: ﴿جَنَّاتُ

النَّعِيمِ﴾، ﴿وَعَدَّ اللَّهُ﴾؛

- محقق ساختن وعده و هدف: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا﴾؛

- توصیف هدف: ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾؛

- دو صفت «قدرت» و «حکمت»، دو ابزار قوی در

مدیریت: ﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛

- توجه بیشتر به کسانی که زحمت بیشتر می‌کشند:

﴿وَالَّذِي... أُمَّهُ﴾؛

ارتباط افراد با یکدیگر به گونه‌ای باشد که به تکامل آنان کمک کند. از آنجا که عقل به تنهایی قادر به شناخت این ملاک‌ها نیست، حکمت الهی اقتضا دارد که از راه وحی به شناخت این ملاک‌ها دست یابیم (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵). هرگاه انسان‌ها به علت نشناختن مرزهای حق و یا به انگیزه جلب منافع بیشتر، از نظام اجتماعی خود عدول کنند، تعرض‌های وسیعی را در جامعه ایجاد خواهند کرد که نتیجه آن، اخلال در مسیر تکامل خود و دیگران است. از این رو، قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع وحی، به منظور آفت‌زدایی از این فرایند، به بیان هنجارهای گوناگونی در این زمینه (در اکثر سوره خود و از جمله در این سوره) می‌پردازد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- پرهیز از شرک، که ظلمی آشکار است: ﴿مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (لقمان: ۱۱)؛
- توجه به اینکه تنها راه هدایت، توحید است: ﴿وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ (لقمان: ۱۵)؛
- رعایت حد و سطر در رفتار: ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾ (لقمان: ۱۹)؛

۸. الگوی پرهیز از تقلید کورکورانه

دین‌داری در یک طبقه کلان، اساساً به دو دسته «دین‌داری معلل» و «دین‌داری مدلل» تقسیم‌پذیر است. دین‌داری مدلل و استدلالی بر پایه برهان و منطق استوار است؛ همچنان‌که دین‌داری معلل، زائیده علل و عوامل خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و غیره بوده و با تغییر و تحول در این عوامل، دین‌داری انسان‌ها نیز قبض و بسط و ظهور و کمون پیدا می‌کند. از این رو، دین‌داران باید در باورهای اعتقادی که به مثابه ریشه درخت ایمان است، معرفت مدللانه و استدلالی یابند، نه تقلید جاهلانه و کورکورانه انسان جاهل از جاهل دیگر که پشتوانه عقلی و

حقیقت را به طور کاملاً عینی و تجربی ببینند و تجربه کنند و بفهمند و به طور قطع، در چنین شرایطی به شناخت اصیل و اطمینان‌بخش برسند (امام‌جمعه، ۱۳۸۸، ص ۷۷). عینی‌گرایی به انسان کمک می‌کند تا در گام نخست، از مجموعه طبیعت و اجزای آن به عنوان آیات ملموس الهی، که نقش تابلوهای یک مسیر را دارد، استفاده کند، مسیر شکوفایی را طی نماید و به جایگاه واقعی خود برسد. در اکثر آیات مربوط به عینی‌گرایی، که همان بینش علمی در ارتباط با طبیعت است، خداوند انسان را به کشف نظام واحد انسجام‌بخش اجزای طبیعت سوق می‌دهد تا به وحدانیت خود اشاره کند. از جمله موارد آن در این سوره، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کشف قوانین حاکم بر طبیعت: ﴿بِعَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا... رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ... زَوْجِ كَرِيمٍ﴾ (لقمان: ۱۰)؛
- نگاه با دقت به طبیعت: ﴿زَوْجِ كَرِيمٍ﴾، ﴿أَلَمْ تَرَوْا﴾؛
- مطالعه میدانی وسیع و زمان‌بر: ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾؛
- بیان نتایج با استدلال کافی: ﴿عِلْمٍ هُدًى، كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾؛
- داشتن هدف و چشم‌انداز: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾؛
- توصیه مؤکد به تحقیق در نجوم: ﴿يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾ (ر.ک: قرائتی، بی‌تا).

۷. الگوی اعتدال

«قسط» و «عدل» دو واژه کمابیش مشابه و به معنای پرداخت حق به صاحبان حق است؛ اما باید حق و مصادیق آن را شناخت تا با عمل به آن، بتوانیم به عدالت رفتار کنیم؛ به عبارت دیگر، ملاک عدالت این است که

است. در اینجا تنبیه یا تشویق مطرح نیست، بلکه همانند شدن افراد با اشخاصی که به عنوان الگوی رفتاری تعیین می‌شوند مطرح است. پس اگر فرد، شخص یا گروهی را پسندیده و به نظرش جالب بیاید، این تمایل در او پدید می‌آید که نفوذ آن شخص یا گروه را بپذیرد و ارزش‌ها و نگرش‌های خود را با ارزش‌ها و نگرش‌های آن فرد یا گروه هماهنگ سازد.

ج. درونی‌کردن: درونی‌کردن یک ارزش یا یک اعتقاد، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. درونی‌کردن یک اعتقاد خاص، مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتارمان درست و صحیح باشد. اگر شخص یا منبع صاحب نفوذ مورد اعتماد باشد، نظر او را می‌پذیریم و با نظام ارزشی خود ادغام می‌کنیم که در این حالت، این عقیده در مقابل تغییر به سختی مقاومت می‌کند (ارونسون، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

مقصود از درونی‌کردن یک ارزش یا رفتار، آن است که رفتار مورد نظر جزئی از وجدان شخص گردد، به گونه‌ای که نقض آن ارزش نزد شخص، احساس خطا و شرم را برانگیزد. درونی‌کردن، بر فعال کردن مخاطب تأکید دارد. در این صورت، نقش مخاطب اصل است. اگر مفاهیم و ارزش‌ها درونی شوند، دیگر امواج رسانه‌ها نمی‌توانند دل‌های جوانان ما را تسخیر کنند. در روایات معصومان علیهم‌السلام از این حالت به عنوان «واعظ درونی» یاد شده است (مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

برانگیختگی هنجارها و رفتارها با هریک از روش‌های فوق، در مراحل زندگی می‌تواند برای افراد مناسب باشد. برای مثال، در دوران کودکی که به سبب پایین بودن رشد عقلی و اجتماعی، کودک قادر به تشخیص رفتار صحیح از رفتار غلط نیست، ایجاد انگیزه برای او به وسیله تشویق و یا تنبیه به جا و به اندازه می‌تواند

استدلالی ندارد (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۳۶)؛ همانند تقلید مشرکان از آباء و اجداد خود، که در بسیاری از آیات قرآن، از جمله در این سوره، از آن نهی شده است: ﴿قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ (لقمان: ۲۱).

علاوه بر الگوها و هنجارهای مذکور، تعداد دیگری از الگوها و هنجارهای مهم، همچون الگوی معاد و الگوی ارتباط صحیح، نیز در این سوره مطرح است که بیان مشروح آنها مجال دیگری می‌طلبد.

روش‌های جامعه‌پذیری و کاربردی نمودن ارزش‌ها و هنجارهای قرآنی

«قرآن، جامع‌ترین کتاب هدایت برای انسان‌هاست.» این سخن، نه تنها ادعای مسلمانان است، بلکه اقرار و یافته حق تمامی انسان‌های آزاده‌ای است که حتی فقط یک بار، بدون پیش‌فرض‌های سوء ذهنی و تنها از سر حقیقت‌جویی، به مطالعه و کاوش در این کتاب آسمانی پرداخته‌اند (ر. ک: عبداللهی خورش، ۱۳۶۲). از این رو، کاربردی نمودن و عملی کردن ارزش‌ها و الگوهای موجود در آیات آن و بررسی شیوه‌ها و روش‌های اجرای آنها، یکی از مهم‌ترین اقدامات در زمینه بهره‌گیری از آیات الهی است که اصلی‌ترین هدف از نزول آنهاست.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، برانگیخته شدن انسان در پذیرش هنجارها و عمل به آنها بسیار حایز اهمیت است. پاسخ افراد در برابر این برانگیختگی، که تحت عنوان «پاسخ به نفوذ اجتماعی» مطرح است، به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف. متابعت: رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه، برانگیخته شده باشد.

ب. همانندسازی: پاسخ به نفوذ اجتماعی مبتنی بر آرزوی شخص برای همانند شدن با شخصیتی صاحب نفوذ

۱. توجه به فطری بودن ارزش‌ها و هنجارها

فطریات عبارت است از سلسله ارزش‌هایی که در نهاد انسان وجود دارد و از آغاز تولد با او همراه است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: چه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس: ۸)؛ پس خداوند به نفس انسان فجور و تقوایش را الهام کرد.

روان‌شناسان نیز از آن دسته از ارزش‌ها که با سرشت بشر آمیخته و همه انسان‌ها در اعماق جان خویش آن را احساس می‌کنند و بدان وسیله، خوبی‌ها را از بدی‌ها تشخیص می‌دهند، تحت عنوان «وجدان اخلاقی» یاد کرده‌اند. از این رو، قرآن کریم نیز در این زمینه به پیامبرش امر می‌نماید که فقط به مردم تذکر دهد، و او تنها متذکر و یادکننده است (غاشیه: ۲۱)؛ چراکه تذکر و یادآوری در مورد زمانی است که در اصل چیزی وجود داشته و ممکن است به دست فراموشی سپرده شده باشد. از همین رو، رسول خدا پیامون فلسفه رسالت خویش فرموده‌اند: «أَنْتِ بَعَثْتِ لَاتِمِّمِ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ»؛ یعنی فلسفه نبوت پیامبر تمیم و تکمیل مکارم اخلاقی بوده است نه آموزش آنها. بنابراین، هرکس به اقتضای فطرت خویش مرزهای بین خوبی و بدی را می‌شناسد و تنها نیازمند رشد و شکوفایی این قابلیت‌هاست و متولیان تربیت جامعه، از پدر و مادر و محیط خانواده گرفته تا محیط‌های آموزشی و نهادهای اجتماعی، نقش مهمی را در راستای ایجاد شرایط این شکوفایی و بروز بر عهده دارند (ر.ک: مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۷).

۲. توجه به مختار بودن انسان در پذیرش ارزش‌ها

و هنجارها

انسان‌سازی و تهذیب اخلاق، هنگامی برای انسان میسر است که به اختیار و توانایی خود در راه به دست آوردن

کاربرد بیشتری داشته باشد. به تدریج در اواخر دوران کودکی و ابتدای مراحل نوجوانی که فرد تمایل به همانندسازی بیشتری می‌یابد، ایجاد هنجارها و رفتارهای شایسته با ارائه الگوهای صحیح و مورد علاقه به وی برای همانندسازی، می‌تواند مؤثر باشد. پس از آن، در اواخر دوران نوجوانی و شروع جوانی، هنگامی که رفتارها و اصول اخلاقی صحیح با روش‌هایی همچون متابعت و همانندسازی در فرد تقریباً ایجاد شد و نیز به موازات رشد فکری و عقلانی لازم برای تشخیص رفتار صواب از ناصواب، می‌توان به درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارها و تثبیت آنها پرداخت؛ ضمن آنکه مرز مشخصی میان آنها وجود نداشته و در هر زمان، بسته به مقتضیات زمان و مکان، خصوصیات فردی و نوع رفتار یا هنجار موردنظر، یکی از روش‌های فوق (با توجه به برتری داشتن همیشگی شیوه درونی‌کردن) می‌تواند مؤثر باشد. چنان‌که در روش تربیتی قرآن کریم نیز درمی‌یابیم که به هریک از شیوه‌های فوق به تناسب، با مخاطبان سور و آیات پرداخته شده است؛ از این رو، همان‌گونه که در بسیاری از آیات، به توصیف نعمت‌های بهشتی به‌عنوان پاداش نیکوکاران، و یا بیان عذاب‌های سخت دوزخ به‌عنوان تنبیه بدکاران پرداخته شده است (متابعت)، در تعداد دیگری از آیات نیز به معرفی الگوها و اسوه‌های نیکویی همچون پیامبر اسلام و یا حضرت ابراهیم می‌پردازد (همانندسازی)؛ چنان‌که در آیات فراوانی نیز - البته در مرحله‌ای بالاتر - صاحبان خرد و اندیشه، به تفکر و تدبر و تشخیص راه و روش شایسته فراخوانده می‌شوند (درونی‌کردن) و همه این موارد را جهت هدایت و ارشاد صحیح، در نظر می‌گیرد. در هر حال، با توجه به کلیات فوق، اصول زیر نیز می‌تواند در رسیدن به این هدف یاریگر باشد:

«کسی که جانش نزد خویش بزرگوار شد و احساس شایستگی کرد، شهوت‌ها و پستی‌ها نزد او خوار و بی‌مقدار می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳).

۴. الگودهی صحیح

یکی دیگر از راه‌های اجرایی و نهادینه شدن ارزش‌ها در جامعه، ایجاد شرایطی است تا مخاطب با میل درونی و از روی نیاز، الگوهای موردنظر خود را کشف کند و به‌طور خودانگیزانه با آنچه خواهان آن است همانندسازی کند. معرفی نمودن الگوها و اسوه‌ها برای افراد ضروری است، اما این معرفی نباید به شکل اجباری و تحمیلی باشد، بلکه باید زمینه‌ترغیب و تسهیل را فراهم کرد تا افراد به الگوهای متعالی عشق ورزند و آرزوی همانندسازی با آنها را داشته باشند. کسی که به معرفی یک الگو برای همانندسازی می‌پردازد، باید تا حدی توانسته باشد فضایل اخلاقی او را در خود نهادینه و ملکه ساخته باشد، تا سبب ایجاد علاقه و کشش در شخص الگوگیرنده شده و با تمایل و رغبت بیشتری آن را بپذیرد (ر.ک: مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۷).

۵. ارائه مفاهیم ارزشی متناسب

یکی از نکاتی که در ارائه مفاهیم ارزشی باید مدنظر قرار گیرد، رعایت تناسب‌هاست. متناسب بودن پیام‌های ارزشمند با سطح آگاهی‌ها، ظرفیت‌های روحی و توانایی‌های فرد مخاطب و در نظر داشتن تفاوت‌های فردی، از جمله مسائلی است که به هنگام تبیین هنجارها باید در نظر گرفته شود. همچنین زمان‌شناسی و توجه به تغییرات و مقتضیات زمان و استفاده از ابزارها و شیوه‌های نو و متناسب با زمان و منطق روز، از اهمیت خاصی برخوردار است. بهره‌گیری از این فرمایش

کمالات و ارزش‌ها تلاش کند (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۳۱). برای پدید آمدن و تقویت رفتارهای مطلوب در افراد، روش‌های تحمیلی و اجباری نمی‌توانند به‌گونه‌ای شایسته مؤثر باشند. به قول استاد مطهری، استعداد‌های هیچ انسانی را از طریق اجبار و تهدید و ارعاب نمی‌توان پرورش داد. همان‌گونه که یک غنچه گل را نمی‌شود به زور به صورت یک گل درآورد، فقط از راه طبیعی و برآورده نمودن احتیاجاتش باید به او کمک کرد تا از راه خودش رشد کند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۸). هر قدر شخص مرتبی احساس کند که در پذیرفتن اصول ارزشی مجبور است، نتیجه معکوس بوده و لجبازی و مقاومت بیشتری حاصل می‌گردد. البته هدایت نقش مهمی در انتقال مفاهیم دارد، اما هدایت غیر از اجبار است. چنان‌که خداوند به پیامبرش می‌گوید: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه: ۲۲)؛ تو بر آنها مسلط نیستی که مجبورشان کنی. از این رو، در فرایند ایجاد و تثبیت هنجارها در جامعه، باید اصل دوری از تسلط و اجبار را نظر داشت.

۳. تقویت روحیه عزت و کرامت نفس

اصل صیانت نفس و حفظ شخصیت در افراد، امری ذاتی و فطری است که باید از هرگونه خدشه و گزند در امان باشد. انسان‌ها مادام که در درون خود احساس شایستگی و کرامت نمایند، هیچ‌گاه تن به پستی و رذالت نخواهند داد. از این رو، چنانچه تبیین رفتارهای بهنجار در جامعه همراه با محبت و احترام و بزرگواری و با تکیه بر نقاط قوت و ارزنده شخصیت افراد و به دور از هرگونه تحقیر و توهین باشد، سبب تقویت عزت نفس و دوری از هرگونه سرکشی و عصیان و لجاجت شده و شخص با آغوش باز راغب به پذیرش آنها خواهد شد (مظاهری، ۱۳۷۴، ص ۷۲-۷۵). چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ارائه راه‌حل‌های گروهی جهت رفع آنها و در نهایت ایجاد رفاه مادی و معنوی در جامعه است.

۳. ارزش‌ها و هنجارهای والا که احاطه کاملی بر تمام نیازهای افراد یک جامعه داشته باشند؛ نشانگر تعالی فرهنگ حاکم بر آن جامعه‌اند.

۴. فرهنگ پیشرفته و مترقی اسلام، مفاهیم ارزشی خود را از ارتباط تنگاتنگ با جهان بینی خود می‌گیرد، از این رو، می‌تواند با ارائه مجموعه هنجارهای صحیح و مرتبط با ارزش‌ها، عامل پاسخ‌گویی به نیازهای فطری و ضامن رفاه و خوشبختی ابدی انسان‌ها باشد.

۵. سوره «لقمان»، از جمله سوره‌هایی است که به‌طور مؤکد به بیان ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با نیازهای انسان در قالب نصایح دلسوزانه پدری حکیم به فرزند خویش پرداخته، و آنچه بیان شد قطره‌ای از این اقیانوس است.

۶. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی برانگیخته شدن انسان، در پذیرش هنجارها و عمل به آنها بسیار حایز اهمیت است.

۷. این برانگیختگی، به ترتیب طی سه مرحله متابعت، همانندسازی و درونی کردن می‌تواند صورت پذیرد.

۸. درونی کردن یک ارزش یا یک اعتقاد، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است که توجه به اصولی نظیر موارد مذکور در متن مقاله (توجه به فطری بودن ارزش‌ها و هنجارها، توجه به مختار بودن انسان در پذیرش ارزش‌ها و هنجارها، تقویت روحیه عزت و کرامت نفس، الگودهی صحیح، ارائه مفاهیم ارزشی متناسب و ایجاد عادات پسندیده) می‌تواند کمک مؤثری در ایجاد این حالت باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام بجاست که فرمود: فرزندان را به ادب خود مجبور نسازید که آنان پدیده‌های زمان دیگری هستند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۸، کلمات قصار ۱۰).

۶. ایجاد عادات پسندیده

یکی دیگر از راه‌های عملی کردن ارزش‌ها، ایجاد عادات مناسب رفتاری از همان اوان کودکی است. توصیه‌های مکرر اسلام نیز درباره عادت دادن کودکان به عبادات و مکارم اخلاقی شاهد بر این مدعاست. هرچند در این زمینه، دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارد، اما استاد مطهری، در سخنان خویش عادت را ستوده است که فعلی باشد نه انفعالی؛ به عبارت دیگر، عادت‌هایی که در آن انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی قرار نگرفته، بلکه کاری را در اثر تکرار و ممارست بهتر انجام می‌دهد و (در او نهادینه می‌گردد)، در عین حال، عقل و اراده را نیز در نظر دارد تا اسیر عادت نشود (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۸۳-۸۶). در راستای همین امر، با توجه به تأثیرات مسلمی که در روان‌شناسی امروزی برای اصوات و صداها و حتی حالات و روحيات مادر بر روی جنین به اثبات رسیده، و نیز توصیه‌های مکرر ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه، مانوس نمودن فرزندان از همان دوران جنینی و شیرخوارگی با صوت خوش قرآن، و سپس در سنین بالاتر تحفیظ آیات نورانی آن، می‌تواند زمینه پذیرش‌های بعدی را در آنان مهیاتر سازد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به‌طور اختصار می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. عامل اصلی شکل‌گیری جوامع بشری نیاز است.
۲. فرهنگ با داشتن دو عنصر مهم ارزش‌ها و هنجارها، سبب شکل‌گیری یک نظام اجتماعی، سازمان‌دهی نیازها،

منابع

- ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۸، شرح نهج‌البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران، نیستان.
- ارونسون، الیوت، ۱۳۸۹، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، چ ششم، تهران، رشد.
- امام‌جمعه، فرهاد، ۱۳۸۹، جامعه‌شناسی فرهنگی، چ دوم، تهران، بهمن برنا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۹۰، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، امام عصر (عج).
- حیدری، گلشاد، ۱۳۸۹، «آموزه‌های تربیتی حضرت لقمان در قرآن»، راه تربیت، ش ۱۳، ص ۱۴۵-۱۶۴.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۰، کلام نوین اسلامی، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
- دانش، اسماعیل، ۱۳۸۹، «اصول و روش‌های تربیتی سوره لقمان»، راه تربیت، ش ۱۳، ص ۹۱-۱۲۴.
- ، ۱۳۸۷، درآمدی بر جامعه‌شناسی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- رضائیان علی، ۱۳۸۲، مبانی سازمان و مدیریت، چ پنجم، تهران، سمت.
- عبداللهی خوروش، حسین، ۱۳۶۲، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، اصفهان، مطهر.
- قرائتی محسن، بی‌تا، تفسیر نور، نسخه الکترونیکی.
- قلی‌زاده، آذر، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی فرهنگی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- مجیدی بیدگلی، کبری، ۱۳۸۷، بررسی سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و راه‌های کاربردی کردن آن در جامعه (برگزیده مقالات همایش ملی خرد جاودان)، دفتر اول، اصفهان، حدیث راه عشق.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰، انسان‌سازی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- مظاهری، علی‌اکبر، ۱۳۷۴، هشدارهای تربیتی، چ دوم قم، هجرت.
- نیک‌بخش، فاطمه، ۱۳۸۹، «برداشت‌های تربیتی از سوره لقمان»، راه تربیت، ش ۱۳، ص ۱۲۵-۱۴۴.